

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۹۸/۲۳۵۱-۷۸۸۶۴

سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸ شماره مقاله: ۱۱۹۵/۷۰۶ رده بندی کنگره: ن ۱۰۱/۲

نگاهی کیفی به پیش شرط های ذهنی معاونت در جرم در قوانین جزایی

مریم گنجی

چکیده

هنگامی که شخصی تصمیم به ارتکاب فعل مجرمانه می گیرد لازم است، اندیشه مجرمانه خویش را به منصفه ظهور برساند. ظهور قصد و نیت مجرمانه به طور محسوس و معینی در خارج آشکار می شود. در این حالت فرد ماهیت قصد مجرمانه خویش را با رفتار و عملی که مبین نیت واقعی اوست نمایان می سازد. از اینجا است که قصد و نیت مجرمانه فرد بررسی شده و کشف و استنباط می شود. زیرا صرف پندار و اندیشه مجرمانه هر اندازه زشت و ناپسند باشد، مادامی که آن اندیشه توأم با عملیات خارجی نباشد، قابل مجازات نیست. مجرم باید مبادرت به فعل یا ترک فعلی کند که ملموس، محسوس و عینی بوده و در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد. وجود رابطه سببیت میان فعل مجرمانه مرتکب اصلی و مساعدت معاون ضروری است. لیکن ارتباط مستقیم میان معاون و مباشر جرم اصلی شرط نیست، بدین جهت معاونت در معاونت در نظام کیفری ایران مورد پذیرش قرار گرفته است. همچنین معاون و مباشر جرم باید تطابق قصد داشته باشند و هدف مشترکی را دنبال نمایند و معاون باید نسبت به عمل ارتكابی خود، عمل ارتكابی مباشر و اوضاع و احوال خاص جرم آگاهی داشته و اعمال خویش را با اراده و قصد مجرمانه مرتکب گردد.

واژگان کلیدی: معاونت در جرم، همکاری در جرم، ارتکاب جرم، تسهیل جرم، قوانین جزایی

بخش اول: کلیات

برای اینکه بتوان شخصی را به عنوان معاون جرم تحت تعقیب و مجازات قرار داد، ضروری است رفتار مجرمانه ای از مباشر جرم سرزده باشد و چون معاونت در جرم جنبه تبعی دارد، ضرورت دارد که فعل اصلی یعنی فعل مباشر قانوناً جرم بوده باشد. برای توضیح بیشتر این گفتار ابتدا جرم بودن رفتار اصلی و بعد ارتکاب یافتن رفتار مجرمانه توسط مباشر شرح داده می شود. به موجب ماده ۴۳ ق.م.ا معاونت هنگامی تحقق می یابد که موجب وقوع جرم گردد و جرم هم در قانون مجازات اسلامی به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. بنابراین وجود فعل اصلی قابل مجازات شرط نخستین جرم معاونت به شمار می آید. اگر فعل مباشر اصلی به استناد نص صریح قانون جرم نباشد، معاونت در ارتکاب فعل مذکور جرم نخواهد بود. فعل اصلی وقتی قابل مجازات است که قانون آن را جرم شناخته باشد، در صورتی که فعل مباشر اصلی قانوناً جرم نباشد، کسی که معاونت در وقوع چنین فعلی غیر مجرمانه داشته، قابل مجازات نیست بر خلاف ماده ۵۴ قانون حدود و قصاص سابق که رضایت مجنی علیه در قتل تأثیری نداشته و با عفو او قبل از مرگ، حق قصاص ساقط نمی شد و اولیاء دم می توانستند پس از مرگ قصاص او را مطالبه نمایند. در حال حاضر ماده ۲۶۸ ق.م.ا مقرر می دارد: «چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ، جانی را از قصاص نفس عفو نماید، حق قصاص ساقط می شود و اولیاء دم نمی توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند» مع ذلک هنوز خودکشی ماهیتاً جرم شناخته نشده و مساعدت و همکاری در خودکشی نیز عنوان معاونت نداشته و قابل مجازات نخواهد بود. البته ارتکاب قتل با رضایت مجنی علیه جرم است و این امر با سقوط کیفر با رضایت مجنی علیه فرق دارد.^۲ در صورتی که عملی جرم باشد ولی به علت وجود

۵- گلدوزیان، ایرج، پیشین، ص ۳۹.

۲- همان، صص ۲۴۷-۲۴۸.

یکی از عوامل موجه جرم قابل تعقیب نباشد، همکاری در ارتکاب عمل اصلی هم مجازاتی ندارد. و نیز در صورتی عمل اصلی جرم باشد، ولی مشمول عفو عمومی قرار گیرد، معاون جرم مجازات نخواهد داشت؛ وقتی می‌گوییم عمل اصلی باید دارای مجازات باشد، تا بتوان معاون را مجازات کرد، مقصود آن است که عمل اصلی باید جنبه فعلی هم پیدا کرده باشد.^۱ بنابراین معاونت در جرم عنصر قانونی مستقلی ندارد؛ بلکه عنصر قانونی خود را از عنصر قانونی جرم اصلی می‌گیرد؛ بدین معنا که هر فعل یا ترک فعلی که در قانون، جرم شناخته شود، معاونت در آن نیز جرم است.^۴

بخش دوم: ارتکاب یافتن رفتار مجرمانه توسط مباشر

تحقق مسئولیت کیفری و اعمال مجازات نسبت به معاون جرم مستلزم آن است که جرم اصلی کلاً ارتکاب یافته و یا شروع به اجرای آن شده باشد. در ادامه این بحث معاونت در جرم عقیم و محال، معاونت در شروع به جرم و معاونت در جرم تام به طور جداگانه تبیین خواهد شد.

بند اول: معاونت در جرم عقیم و محال

جرم عقیم، وقتی است که مجرم به واسطه عدم مهارت یا بی‌فکری خود یا یک علت اتفاقی غیرقابل پیش‌بینی، نتیجه از عمل خویش نمی‌گیرد. در این مورد مقتضیاتی که به وجود آمده‌اند مستقل از اراده فاعل هستند. مثلاً فردی که با وجود تهیه مقدمات و تیراندازی نمی‌تواند مجنی علیه خود را به لحاظ اشتباه در دید و عدم مهارت در تیراندازی بکشد که اصطلاحاً به آن جرم عقیم می‌گویند. مجازات جرم عقیم در حدی متصور است، که مقدار عملیات انجام شده طبق ماده ۴۱ ق.م.ا همانند شروع به جرم،

^۱ - صانعی، پرویز، پیشین، ص ۵۶۳.

^۳ - زراعت، عباس، شرح، قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات فقنوس، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶.

جرم باشد.^۱ بنابراین در صورتی که اقدامات انجام شده در جرم عقیم، جرم باشد معاونت در آن نیز جرم بوده و مستحق مجازات است. جرم محال نیز همانند بزه عقیم، مرتکب تا پایان مسیر مجرمانه پیش می‌رود، اما گاه به این علت که نمی‌داند موضوع جرم وجود ندارد و گاه به این دلیل که آگاه نیست وسایل مورد استفاده او برای ارتکاب جرم بی‌اثرند، انجام بزه محال می‌نماید. در شکل اول مثل آنکه مجرم به گمان آنکه شخص زنده‌ای را میکشد به مرده‌ای تیراندازی کند و در شکل دوم مانند آنکه برای قتل دیگری از شکر به جای ماده سمی استفاده نماید. لذا می‌توان گفت در جرم محال، برخلاف جرم عقیم که عدم وقوع بزه به دلیل عدم مهارت و بی‌کفایتی مجرم است، یا موضوع جرم وجود ندارد و یا وسیله به کار گرفته شده کافی نیست.^۲ به نظر می‌رسد که تهیه کنندگان قانون نخواستند جرم محال را مورد مجازات قرار دهند. (در مقررات جزای اسلامی از «تجری» بحث شده و برخی خواسته‌اند جرم محال را نوعی تجری بدانند). در قانون مجازات اسلامی (ماده ۴۱ و ۲ تبصره آن) می‌توان دید، در مورد جرم محال مطلبی عنوان شده و به فرض وقوع این جرم شاید از طریق دیگری غیر از قانون، مانند استفاده از فتاوی معتبر یا منابع فقهی بتوان مجرم را تعقیب و مجازات کرده بدیهی است اگر مقدار عملیات انجام شده مستقلاً عنوان مجرمانه داشته باشد، تحت همان عنوان باید موضوع را مورد بررسی قرار داد و مجرم را در حد همان مقدار عمل کیفر داد.^۳ در برخی کشورها از جمله فرانسه که نظریه ذهنی را درباره شروع به جرم پذیرفته‌اند، مرتکبان جرایم محال یا عقیم را به سبب خطرناک بودنشان برای جامعه درخور مجازات می‌دانند. اما به موجب ماده ۴۱ ق.م.ا ارتکاب این کارها اصولاً جرم به شمار نمی‌رود، مگر آنکه اعمال انجام شده، خود مصداق جرم مستقلی

۲- نوربها، رضا، پیشین، صص ۲۶۵-۲۶۷.

۳- نوربها، رضا، همان، صص ۲۶۷-۲۶۸.

۴- همان، صص ۲۷۳-۲۷۴.

باشد. ^۱می‌دانیم معاون به انحاء مختلف به مباشر و یا شرکای جرم کمک می‌کند تا جرم واقع شود. ممکن است به عللی مباشر جرم قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا جرم اصولاً توسط مباشر به شکلی که با معاون قصد کرده‌اند انجام نگیرد. عدم نتیجه مجرمانه تأثیری در حق معاون ندارد، و معاون قابل مجازات است. ^۲

بند دوم: معاونت در شروع به جرم

از جمله آثار وارد بر تبعی بودن عمل معاونت این است که، ضرورت دارد که مباشر اصلی عمل مجرمانه را انجام دهد یا لااقل شروع به اجرای آن نموده باشد. در مواردی هم که شروع به اجراء نموده و جرم منظور واقع نشده است، ضرورت دارد که شروع به جرم مزبور قابل مجازات باشد، در این صورت است که می‌توان تصور نمود که معاونت در شروع به جرم قابل مجازات است و لیکن شروع به معاونت جرم نمی‌باشد. اگر زنی به طفل ۱۲ ساله خود سم بدهد که به شوهر سابق او بخوراند ولی هیچ عملی از او سر نزنند با اینکه عمل زن در معاونت تمام است ولی چون جرمی از طفل سر نزده معاون نیز قابل مجازات نیست. ^۵ به همین دلیل چنانچه اعمال مباشر اصلی در مقدمه جرم بوده و یا پس از شروع به میل و اراده او متوقف بماند، به شرط آنکه این مقدار عمل خود جرم نباشد، فعل معاونت نیز محقق نخواهد شد. دراین باره دیوان عالی کشور چنین اظهار نظر کرده است: «... به طور کلی معاون وقتی مستوجب مجازات است که فاعل اصلی مرتکب جرمی شود و یا شروع به اجرای آن نماید. (حکم شماره ۳۵۹۸-۱۹/۱۰/۳۰) ^۶ همکاری و دستیاری فاعل چه در مرحله مقدماتی و چه در مرحله

^۵ - حسینی آحق، مریم، مقاله جرم عقیم و محال به پایگاه تخصصی علوم اسلامی و انسانی نورمگز

^۶ - مهدوی ثابت، محمد علی، پیشین، تقریرات درسی حقوق جزای عمومی (۴) دانشگاه امام صادق (ع) نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۱-۸۰ ص ۱۲ به نقل از نیکونظری، محمدرضا، «معاونت در جرم در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی با

فرانسه»، کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱.

^۳ - باهری، محمد، پیشین، ص ۲۳۸.

^۴ - اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۴۰.

اجرای جرم اصلی، هنگامی معاونت به شمار می رود که مباشر، جرم را شروع کرده باشد، از این رو مشهور است که معاونت در شروع به جرم مجازات دارد، لیکن شروع به معاونت مجازات ندارد.^۱ بنابراین برای اینکه معاونت در شروع به جرم مصداق یابد، لازم است فعل اصلی قابل مجازات باشد یعنی به مرحله ای از اقدام رسیده باشد که بتوان همین مقدار از عمل را مجازات کرد؛ خواه به صورت جرم تام و خواه به صورت جرم عقیم و یا شروع به جرم باشد، در کلیه این حالات معاون نیز قابل تعقیب و مجازات است. با توجه به اینکه در سیستم حقوق ما معاون، مجرمیت و مسئولیت خود را از مباشر به عاریه می گیرد پس بزهکاری معاون وابسته به عمل مباشر است. پس هرگاه مجرم اصلی قصد ارتکاب جرمی را بنماید ولی خواه به علت انصراف ارادی و خواه به این علت که بر اثر وقوع اوضاع و احوال خارجی که اراده فاعل در آن تاثیر و دخالتی نداشته، قصدش معلق یا بی اثر مانده باشد و در نتیجه حتی شروع به اجرای آن نکرده باشد، در چنین مواردی معاون جرم به دلیل عدم وقوع جرم در خارج، قابل مجازات نیست. پس در حقیقت شروع به معاونت هرگز مصداق خارجی پیدا نمی کند؛ زیرا اصولاً جرمی در عالم خارج واقع نشده تا بتوان معاونتی برای آن تصور نمود.^۲ در شروع به معاونت نیز هنگامی که معاون اقدام به انجام فعل معاونت نموده ولی به دلایلی خارج از اراده اش موفق به انجام آن فعل نمی گردد، شروع به معاونت محقق نمی گردد. به طور مثال معاون به منظور گذاشتن اطلاعات در اختیار فاعل جرم اقدام به جمع آوری اطلاعات می نماید، ولی نمی تواند به این اطلاعات دست یابد.^۱

۵- همان، ص ۴۹.

۶- حمیدی، منوچهر، پیشین، ص ۴۵.

۲- الزغبی، فرید، پیشین، ص ۳۸۹.

بند سوم: معاونت در جرم تام

در صورتی که تمام عملیات اجرایی جرم به وقوع بپیوندد آن را جرم تام می‌گویند. برای تشخیص اینکه جرم در چه زمانی تام تلقی می‌شود میان جرایم مطلق و مقید تفکیک قائل شده‌اند. در برابر جرم تام، جرم عقیم و محال قرار دارد.^۳ در جرم تام مرتکب پس از طی مسیر فعل مجرمانه یا با طی بخشی از آن به نتیجه مورد نظر خود دست پیدا می‌کند. بنابراین تحقق معاونت در جرم تام، مستلزم تحقق کامل فعل مثبتی از مصادیق معاونت در جرم از سوی معاون است و ترک فعل در جرم تام امکان‌پذیر نیست.

بخش سوم: مصادیق رفتار معاون

مصادیق رفتار معاون عموماً در ماده ۴۳ ق.م.ا در سه بند پیش‌بینی شده و تحت عنوان «مصادیق عام» از آنها یاد می‌کنیم و گاهی مصادیق رفتار معاون به طور خاص و غیر از بندهای ماده ۴۳ ق.م.ا پیش‌بینی شده است. که آنها را تحت عنوان «مصادیق خاص» می‌شناسیم.

بند اول: مصادیق عام

ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی در سه بند مصادیق انحصاری معاونت در جرم را به شرح زیر پیش‌بینی نموده است: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تادیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند:

^۴ - حسینی آهق، مریم، مقاله جرم عقیم و محال به پایگاه تخصصی علوم اسلامی و انسانی نورمگز

۱- هر کس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

۲- هر کسی با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب، ارائه دهد.

۳- هر کسی عالماً عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.»

اکنون به شرح مصادیق معاونت در جرم که در ماده مزبور آمده می‌پردازیم.^۱:

تحریک: تحریک در لغت به معنای به حرکت در آوردن، جنبانیدن و نیز در معنی واداشتن و برانگیختن دیگران آمده است. تحریک به جرم یعنی واداشتن دیگری به ارتکاب جرم به هر دستاویزی، خواه با دادن مال، وعده، و یا فریب و خواه با تشویق، ترغیب و به طور کلی تقویت نیروی اراده ارتکاب به جرم مانند تهییج حس کینه و انتقامجویی، تحریک مندرج در ماده ۴۳ به طور مطلق ذکر شده است. به طوری که اگر قانونگذار در بند یک ماده مذکور به مصادیق دیگر افعال معاونت مانند ترغیب، تهدید و یا تطمیع اشاره نمی‌کرد باز هم به لحاظ اطلاق تحریک فعل معاونت متحقق می‌بود. زیرا ترغیب، تهدید و همچنین تطمیع همواره متضمن نوعی تحریک است. به این معنی هر فعل دیگری نظیر پند و اندرز، توصیه و تجویز که مباشر را به ارتکاب جرم مصمم کند، نوعی تحریک محسوب می‌شود.^۲ در قانون مجازات اسلامی معنی و مفهوم تحریک مشخص نشده و این مساله را به صورت یک مساله موضوعی و

۱- گلدوزیان، ایرج، پیشین، ص ۲۵۲.

۲- اردبیلی، محمد علی، ج ۲، پیشین، ص ۴۲.

تشخیص آن را به عهده ی قاضی گذارده که با توجه به اصول و قواعد کلی و عرف جامعه آن را احراز نماید.^۳

اقسام تحریک: تحریک انواع مختلف دارد و ممکن است به اشکال گوناگون واقع شود. تحریک ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم باشد. تحریک مستقیم آن است که اندیشه ارتکاب جرم به وضوح بیان و به دیگری القاء شده باشد.^۴ به عبارت دیگر محرک، بدون واسطه و شخصاً، مباشر جرم را تحت تاثیر قرار دهد. مانند آنکه فردی به دیگری مراجعه و با بیانات خود، او را تحریک به ارتکاب جرم نماید. اما تحریک غیر مستقیم تحریکی است که به طور غیر مستقیم دیگری را تحت تاثیر قرار داده و او را به انجام عمل مجرمانه ای تحریک نماید. مثلاً تحریر مقاله در یک روزنامه یا مجله که شخص نامعین را برای انجام جرم برانگیزد، نوعی تحریک غیر مستقیم تلقی می-شود.^۵ در عین حال تحریک ممکن است فردی یا جمعی باشد. تحریک فردی به این معنی است که مخاطب شخص معلوم و معین باشد.^۱ در حالی که تحریک جمعی نسبت به گروه یا جماعتی صورت می پذیرد. در خصوص لزوم فردی بودن تحریک در حقوق جزای ایران دو عقیده متفاوت ابراز شده است. عده ای معتقدند که ضرورت ندارد شخص معینی تحریک شده باشد. و به محض اینکه توصیه یا تشویق و فرمان در ارتکاب جرم موثر واقع شود و کسی بر اثر این گونه تحریکات مرتکب جرم گردد. تحریکات مزبور معاونت در جرم به شمار می رود و مرتکب آن قابل مجازات است. مثلاً هرگاه کسی با انتشار مقالات در روزنامه فساد اخلاقی، دزدی و هرگونه جرمی را تشویق نماید و تشویق وی در شخص اثر کند و مرتکب جرم شود، در این صورت

^۳ - شامبیاتی، هوشنگ، پیشین، ص ۲۲۳.

^۱ - اردبیلی، همان، ص ۴۲.

^۲ - شامبیاتی، هوشنگ، پیشین، صص ۲۲۳-۲۲۴.

^۳ - اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۴۲.

عمل ناشرمعاونت در جرم محسوب است. اما به هرصورت کسی که عملیات وی باعث ارتکاب جرم می شود باید قاصد و عامد باشد. بدین معنی که بخواهد در نتیجه عملیات خود، دیگران مرتکب جرم گردند.^۲ و اضافه می کنند که چون هدف قانونگذار مبارزه با عوامل خطرناک اجتماعی است و با توجه به پیچیدگی روابط اجتماعی، عدم مجازات محرکین غیرمستقیم که بعضاً هم حرفه ای هستند، چه بسا به نظم عمومی جامعه لطمه وارد آورد و آثار منفی اجتماعی به دنبال داشته باشد.^۳ اما عده ای دیگر معتقدند که اولاً؛ در حقوق فرانسه که الهام بخش قوانین جزایی ما بوده است، فردی بودن تحریک را شرط تحقق معاونت شناخته است. از سوی دیگر قاعده تفسیر مضیق قوانین جزایی ایجاب می کند که مصادیق معاونت را منحصر به مواردی بدانیم که به طور قطعی و بدون هیچ گونه تردید با این عنوان شناخته و پذیرفته شده است.^۴ حال با توجه به اینکه قانونگذار ایران با عبارتی مطلق هر گونه تحریک را قابل مجازات تلقی کرده است. بعلاوه با توجه به اینکه در طول دوره ی اجرای آن نیز ظاهراً هیچ نوع دلیل و مدرکی وجود نداشته و آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور و یا آراء شعب نیز، به جزء در خصوص موثر بودن تحریک، در سایر موارد سکوت کرده است؛ لذا می توان گفت لزومی به فردی بودن تحریک نباشد. خصوصاً اگر بپذیریم که آنچه در بحث تحریک به جرم اهمیت دارد وجود رابطه علیت یا موثر بودن آن می باشد، دیگر نیازی به فردی بودن آن نخواهد داشت.^۵

شرایط تحریک: برای آنکه تحریک به ارتکاب جرم، معاونت تلقی گردد باید چند شرط را دارا باشد:

۴- باهری، محمد، پیشین، ص ۲۳۹.

۵- شامیاتی، هوشنگ، پیشین، ص ۲۲۴.

۶- صانعی، پرویز، پیشین، صص ۵۷۳-۵۷۴.

۷- مرادی، حسن، پیشین، ص ۱۳۸.

الف) تحریک باید مؤثر باشد: مادام که از تحریک نتیجه‌ای به دست نیاید، یعنی برابر تحریک جرمی به وقوع نپیوندد و یا شروع به اجرای آن نگردد، تحریک به عنوان معاونت معنی نخواهد داشت.^۱ جرم نبودن معاونت در نتیجه بی‌اثر ماندن تحریک از عیوب نظام استعاره مجرمیت است که به موجب آن بزهکاری معاون از بزهکاری مباشر وام گرفته می‌شود. برای جبران این عیب، گاه قانونگذار ناگزیر است تحریک را جرم مستقل و خاصی به شمار آورد. حتی اگر اثری بر تحریک مترتب نباشد برای مثال، تحریک به فرار از مقابل دشمن (بند ۴ ماده ۱۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ج-۱-۱) و یا تحریک مردم به جنگ و کشتار یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت (ماده ۵۱۲ ق.م.ا تعزیرات نه به عنوان فعل معاونت بلکه همانند جرمی مستقل مجازات- خواهد شد)^۲ و یا تحریک نیروهای رزمنده یا اشخاص که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم... (ماده ۵۰۴ ق.م.ا تعزیرات) که جرم مستقل محسوب می‌شود.

ب) تحریک، عملی مجرمانه باشد و بدین معنا که باید بتوان عمل محرک را تحریکی نامید که می‌تواند تحریک کننده و برانگیزنده برای ارتکاب جرم باشد. به بیان دیگر، عمل کسی که متهم به تحریک است، باید به نحوی باشد که حقیقتاً به سرحد تحریک و سببیت رسیده باشد بنابراین هر عمل و گفتاری را نمی‌توان تحریک نامید.

چه بسا عملی باشد که قابل صدق عنوان باعث محرک نباشد، مثلاً کسی به دیگری بگوید که به عقیده من اگر تو فلان جرم را مرتکب شوی، فلان نفع عاید تو خواهد شد، به عنوان معاون جرم تلقی نشده و قابل مجازات نیست.^۳

۸- ر.ک. حکم شماره ۳۵۹۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۳۰ امین پور، محمد تقی، مجموعه قانون کیفر همگانی و آراء وحدت

رویه دیوان عالی کشور، ص ۲۲.

۱- اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۴۳.

۲- میر محمد صادقی، حسین، پیشین، ص ۸۵.

ج) تحریک به حکم عقل باید مقدم بر فعل اصلی بوده و از طریق فعل مثبت باشد نه منفی.

د) تحریک باید با قصد و اراده مجرمانه دیگری را تحریک به ارتکاب جرم معینی کند؛ زیرا تحریک به ارتکاب جرم خواه در مواردی که به عنوان یکی از طرق معاونت محسوب می شود و خواه زمانی که جرم خاص و مستقلاً را تشکیل می دهد باید توأم با سوء نیت باشد.^۴

ترغیب: ترغیب از کلمه رغبت است؛ یعنی ایجاد میل و علاقه در دیگری به انجام دادن کاری. پس اگر کسی دیگری را به هر شیوه‌ای اعم از تشریح و توصیف و یا تصویر فعل مجرمانه به ارتکاب آن راغب کند، معاون جرم محسوب می شود.^۱ وسیله‌ای که برای ترغیب به کار می رود از نظر نتیجه حاصله بی اثر است. یعنی ترغیب ممکن است- از طریق کلام و القای فکر و انگیزه صورت گیرد یا با وعده و وعید و یا انگیزش های مالی توأم باشد. تاثیر و نفوذ «ترغیب» از تحریک کمتر است، زیرا تحریک «به حرکت درآوردن» و «برانگیختن» است؛ درحالی که در ترغیب تنها میل و علاقه به ارتکاب جرم به وجود می آید.^۲ عنوان معاونت در جرم از راه ترغیب، وقتی مصداق پیدا می کند که وسایل ترغیب، اثر مستقیم در مجرم، برای ارتکاب جرم داشته باشد. درغیراین صورت، اگر اغواء و تشویق فقط موجب ظهور حس کینه و حسادت و دشمنی در مباشر جرم گردد و همین خصوصیات، منشأ و مبنای ارتکاب جرم شود، با توجه به اینکه تشویق و ترغیب علت مستقیم ارتکاب جرم معینی نبوده است، ترغیب کننده را نمی توان به عنوان معاون جرم مستوجب کیفر دانست.^۳

۳- حمیدی، منوچهر، پیشین، ص ۱۱.

۱- اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۴۳.

۲- صانعی، پرویز، پیشین، ص ۵۷۴.

۳- گلدوزیان، ایرج، ص ۲۵۴.

علاوه بر ماده ۴۳، ترغیب به فراهم کردن وسایل استفاده از مشروبات الکلی (ماده ۱۷۵ ق.م.ا) و یا ترغیب به فرار (ماده ۵۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ج.ا.ا) در قانون به عنوان معاونت‌های خاص شناخته شده است. در معانی نزدیک به ترغیب گاه قانونگذار لفظ تشویق؛ یعنی آرزومند کردن و به شوق آوردن را به کار برده است. از جمله تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج (بند ۵ ماده ۶ قانون مطبوعات) تشویق مردم به فساد یا فحشاء (بند ب ماده ۶۳۹ ق.م.ا بخش تعزیرات) تشویق افراد به الحاق به دشمنان یا محاربین و مفسدین (بند ۶ ماده ۱۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ج.ا.ا) که در همه موارد معاونت در جرم به شمار می رود. اما باید توجه داشت که در این قبیل معاونت‌ها نه تنها موثر بودن تشویق بلکه فردی بودن آن نیز به هیچ وجه در تحقق جرم شرط نیست.^۴ همچنین استفاده از راه‌های عملی نظیر همراهی کردن مجرم تا محل ارتکاب جرم و کنترل و مراقبت از وی برای اطمینان خاطرش، ترغیب محسوب می-شود.^۳ مانند اینکه مردی معشوقه خود را که قصد سقط جنین دارد تامطب پزشک همراهی کند و هنگام سقط جنین در کنار او حضور یابد.^۴

تهدید: تهدید در لغت به معنای ترساندن و بیم دادن است و در اصطلاح حقوقی مراد از تهدید عبارت است از اینکه کسی با ایجاد خطر برای جان، مال یا آبروی دیگری او را وادار به ارتکاب جرم کند. چنانچه شخصی دیگری را تهدید کند و این منجر به ارتکاب جرم از طرف آن فرد شود، تهدید کننده به عنوان معاون مستوجب کیفر است.^۶ تهدید از مصادیق بارز اجبار معنوی است؛ لیکن برای تحقق آن، شرایط چندی لازم است. از جمله آنکه باید عمل انجام شده عرفاً تهدید محسوب شود و به علاوه

۴- اردبیلی، محمد علی، پیشین، صص ۴۳-۴۴.

۷- عالی، سمیر، پیشین، ص ۳۱۸.

۸- الزغبی، پیشین، ص ۳۶۶.

عمدی باشد، زیرا «تهدید غیر عمدی وجود ندارد»^۷ همچنین تهدید باید غیر قانونی و نامشروع باشد. مجرد خوف از کسی یا چیزی تهدید به شمار نمی آید، بلکه بیم و ترس فاعل باید از عمل تهدید آمیز معاون سرچشمه گرفته و مؤثر باشد. میزان تاثیر تهدید به اوضاع و احوال و خصوصیات روانی و موقعیت اجتماعی تهدید کننده و تهدید شده بستگی دارد.^۱ پس دادگاه برای احراز تهدید به عنوان معاونت باید خصوصیات مرتکب جرم و تهدید کننده را از لحاظ سن، جنس و دیگر شرایط حاکم بر تهدید بررسی کند؛ زیرا تهدید، امری نسبی است.^۲ در تحقق تهدید نوع فعل تهدید آمیز (تهدید گفتاری یا نوشتاری) هیچگاه شرط نیست. فقط کافی است شخصی که به زیان های مالی و یا خطرهای جانی و ناموسی و یا شرفی علیه خود یا خویشاوندان نزدیک تهدید شده، برای رهایی از نگرانی و تشویش خویش به ارتکاب جرم رضا دهد. بنابراین، در تهدید موضوع ماده ۴۳ هر چند فاعل برخلاف میل باطنی دست به ارتکاب جرم زده باشد، لیکن قصد و اراده هیچ گاه از او سلب نشده است. اما اگر این تهدید به حدی برسد که اراده را از فاعل سلب کند در این صورت اجبار نام دارد (موضوع ماده ۵۴ ق.م.ا). در این صورت مسئولیتی متوجه فاعل نخواهد بود و اجبار کننده مسئول است.^۳ تهدید ممکن است در مواردی به عنوان جرم مستقل شناخته شود؛ مانند کسانی که با چاقو یا هر نوع اسلحه ای دیگران را تهدید می کنند (ماده ۶۱۷ ق.م.ا. تعزیرات). همچنین کسانی که با تهدید دیگران، آنان را به دادن نوشته یا سند و یا امضاء ملزم می نمایند (ماده ۶۶۸ ق.م.ا. تعزیرات) و همچنین کسانی که برای ارباب

۲- لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، ج ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۶، ص ۱۸۳.

۳- اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۴۴.

۴- میر محمد صادقی، حسین، پیشین، ص ۸۸.

۵- اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۴۴.

دیگران به هر نحو آنان را به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگانشان تهدید می کنند (م ۶۶۹ ق.م.ا تعزیرات)

تطمیع: تطمیع به معنی «به طمع انداختن»، «آزمند ساختن» و «برانگیختن حس نفع طلبی دیگری» است و در اصطلاح حقوقی عبارت از وعده و وعید و دادن وجه یا امتیازی است که شخص را به ارتکاب جرم مصمم می کند. بدیهی است برای آنکه تطمیع، به عنوان معاونت قابل تعقیب و مجازات باشد، باید مؤثر در وقوع جرم باشد و تناسبی میان وعده، وعید و ارتکاب جرم معین، قابل توجیه و احراز باشد.

تطمیع، گونه ای ترغیب است، با این تفاوت که در تطمیع، انگیزه هایی که باعث مصمم ساختن مباشر به ارتکاب جرم می شود، بیشتر جنبه مالی و مادی دارد؛ در حالی که در ترغیب، انگیزه می تواند هم مالی و هم معنوی باشد.^۴ برای آنکه «تطمیع» مصداق پیدا کند، لازم نیست که تطمیع کننده تعهد پرداخت پول یا منفعت مادی دیگر را شخصاً قبول کرده باشد؛ بلکه ممکن است وعده دهد که اگر فلان عمل انجام پذیرد، شخص ثالثی مال یا مزیت مادی معینی را در اختیار مباشر جرم قرار خواهد داد.^۱ نکته قابل ذکر این است که قبول معاون برای ارتکاب جرم از سوی فاعل در مقابل منفعت مادی یا معنوی، در حقیقت امتناع از ممانعت از ارتکاب جرم است که به منظور معاون در نظر گرفتن شخص ممتنع باید دو ویژگی در وی وجود داشته باشد:

۱- بدون شک ممتنع، باید دارای سلطه و اقتدار معینی نسبت به فاعل یا قربانی داشته باشد، مانند اقتدار پدر نسبت به فرزند یا مخدوم نسبت به خادم.

^۴ - میر محمد صادقی، حسین، پیشین، ص ۸۹

^۱ - صانعی، پرویز، پیشین، ص ۹۵.

۲- به تبع اقتداری که برای شخص ممتنع نسبت به فاعل یا قربانی وجود دارد، باید جلوگیری از ارتکاب جرم وظیفه او باشد و اگر نه مجرد حضور در صحنه جرم بدون وجود نص صریح، موجب مسئولیت برای ممتنع نخواهد بود.^۴

قانونگذار کیفر تهیه مکان به عنوان معاونت در جرم را حتی در مواردی به صراحت مورد توجه قرار داده است. به طوری که در ماده ۵۸۴ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «... کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق یعنی ماده ۵۸۳ ق.م.ا (که در خصوص توقیف یا حبس غیر قانونی یا مخفی کردن به عنف می باشد) مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یکسال یا جزای نقدی... محکوم خواهد شد» همچنین لازم است از وسایلی که معاون جرم در اختیار او گذاشته و قرار بوده است برای ارتکاب جرم به کار رود، استفاده کرده باشد. خواه این وسیله موثر در وقوع جرم باشد و خواه موثر نباشد و به هر حال وحدت قصد و توافق ارادی مباشر و معاون جرم محمول بر ارتکاب جرم با وسیله ای است که برای این منظور پیش از عمل و یا مقارن آن فراهم شده است. بنابراین، اگر مباشر در ارتکاب جرم از وسیله دیگری، غیر آنی که معاون جرم برای این منظور تهیه کرده سود برده باشد، فرض بر این است که این توافق نافرجام مانده است.^۴

بخش چهارم: ارائه طریق ارتکاب جرم

یکی دیگر از طرق ارتکاب معاونت در جرم، راهنمایی و ارائه راه و روش ارتکاب جرم است. بدین معنی شخصی با علم و اطلاع از اینکه دیگری قصد ارتکاب جرم معینی را دارد به طور مستقیم یا غیرمستقیم راه و روش موفقیت آمیز ارتکاب آن جرم را در اختیار او قرار می‌دهد. مثلاً سرایدار آپارتمانی با علم و اطلاع از قصد شخصی که قصد سرقت

^۴- همان.

^۵- اردبیلی، محمد علی، پیشین، ج ۲، ص ۴۷.

یا قتل دیگری را دارد، راه ورود و خروج به صحنه جرم و ساعات رفت و آمد ساکنین آپارتمان و حضور یا غیبت صاحب خانه را به منظور ارتکاب جرم در اختیار مجرم قرار می‌دهد. یا پزشکی که زن حامله‌ای، برای سقط جنین به او مراجعه می‌کند با صدور نامه‌ای او را برای کورتاژ به یکی از همکاران قابله خود معرفی می‌کند و قابله نیز اقدام به سقط جنین آن زن حامله می‌نماید. پزشک دلالت کننده زن حامله به قابله، معاون در جرم سقط جنین خواهد بود. قانونگذار برای جلوگیری و مبارزه با این قبیل مصادیق معاونت، با وضع مقررات خاصی ارائه طریق ارتکاب برخی از جرایم را به عنوان جرم مستقل قابل مجازات می‌شناسد. مانند مقررات کیفری مندرج در مواد ۶۲۲ و ۶۲۳ ق.م.ا. تعزیرات ناظر به راهنمایی و دلالت زن حامله به وسیله افراد عادی و یا پزشکان به استعمال ادویه و یا وسایل دیگری که موجب سقط جنین می‌شود.^۲

بخش پنجم: پیش شرط های ذهنی معاونت در جرم

صرف جرم بودن عمل مجرم اصلی و وجود رکن مادی معاونت بصورت یکی از صور معینه قانونی، برای مسئولیت معاون کافی نیست. بلکه علاوه بر این‌ها، لازم است که معاون در حین ارتکاب عمل، دارای سوء نیت یا قصد مجرمانه نیز باشد. برای این منظور، شخص معاون باید بداند که به عمل مجرمانه‌ای کمک و مساعدت می‌نماید و بخواهد که کمک و معاونت نماید. لذا در این فصل اجزای رکن روانی لازم برای تحقق معاونت در جرم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند:

بند اول: علم به حکم

در بحث معاونت در جرم، لازم است که معاون از ماهیت مجرمانه عملی که مباشر اصلی قصد ارتکاب آن را دارد، عالم و آگاه باشد و در صورت جهل به مجرمانه بودن

عمل اصلی مسئول نخواهد بود. مثلاً اگر فردی اسلحه شکاری خودش را برای شکار به دیگری قرض بدهد ولی او از آن برای قتل، اخاذی و غیره استفاده کند، فرد قرض دهنده سلاح به عنوان معاون در جرم مسئول نخواهد بود. پس علم به مجرمانه بودن عمل اصلی شرط است. حال آیا علم به جزئیات جرم اصلی از جمله شیوهی ارتکاب زمان یا مکان ارتکاب جرم هویت قربانی جرم، میزاج ضرر و زیان ناشی از جرم و نظایر آنها هم شرط می‌باشد؟ مثلاً شخصی به دیگری اسلحه بدهد تا فرد خاصی را در مغازه اش به قتل برساند، ولی او فرد مورد نظر را نزدیک منزلش به قتل می‌رساند. یا فرد سارقی را برای سرقت از مغازه ای در روز شنبه از طریق دادن اطلاعات و ارایه طریق کمک نماید ولی سارق یکشنبه سرقت نماید. در این موارد وضعیت معاون چگونه است؟ به نظر می‌رسد که آگاهی معاون از جزئیات جرم مورد نظر مباشر، مهم نیست و در مثال های بالا، عمل معاون بعنوان معاونت در جرم قابل تعقیب و مجازات است.^۱ بنابراین برای آنکه شخص، معاون جرم محسوب شود، لازم است از قصد مباشر جرم آگاهی داشته باشد و بداند درصدد ارتکاب عمل مجرمانه می‌باشد.

بند دوم: علم به موضوع

معاون علاوه بر آگاهی از قصد مجرمانه مباشر اصلی، لازم است تا نسبت به ماهیت عمل خود واقف بوده و بداند عملی را که انجام می‌دهد، در جهت تحقق جرم مورد نظر صورت می‌گیرد و می‌تواند از طریق مجرم مورد بهره برداری قرار گرفته و او را در رسیدن به هدفش یاری نماید. بنابراین معاون باید عالمانه افعالی را با لحاظ اینکه باعث وقوع جرم خواهد شد انجام دهد. این آگاهی در ماده ۴۳ ق.م.ا تصریحاً به قید عالماً در تسهیل ارتکاب جرم و با وصف «با علم» در تهیه وسایل و یا ارائه طریق ارتکاب جرم و تلویحاً در ترغیب یا تهدید و یا تطمیع به ارتکاب جرم و نیز در دسیسه و فریب و

نیرنگ در ماده مذکور شرط شده است.^۲ بنابراین مقصود از عنصر روانی معاونت در جرم آگاه بودن معاون به کمک و دستیاری آزادانه خود با مباشر جرم است.^۳ بنابراین اگر شخصی کارد تیزی را با این تصور که برای بریدن گوشت مورد استفاده قرار خواهد گرفت به دیگری قرض دهد و او با این کارد شخص ثالثی را بکشد، صاحب کارد را، به علت فقدان علم و آگاهی و قصد مجرمانه، قابل مجازات نمی‌شناسیم. علم واراده از یک طرف با علم معاون به ماهیت رفتار خویش و نیز جرم فاعل و از طرفی با تمایل اراده و خواسته‌اش بر انجام این رفتار و آن جرم تحقق می‌یابد. پس لازم است که معاون به ماهیت رفتارش که به وقوع جرم کمک می‌کند، آگاه باشد، مثلاً بداند آنچه برای فاعل فراهم می‌کند، همان وسیله جرم است. یعنی جهت مساعدت فاعل برای ارتکاب جرم است. اما هرگاه به ماهیت رفتارش یا به جرم مرتبط با آن علم و آگاهی نداشته باشد، معاون در جرم محسوب نمی‌شود. همانطور که اگر اعتقاد داشته باشد که به فاعل ماده غیر مجرمانه می‌دهد یا سلاحی برای شکار یا دفاع شخصی به افراد می‌دهد، ولی فاعل بعداً آن را در جرم قتل یا آزار و اذیت به کار ببرد.^۱

بند سوم: قصد مجرمانه

برای اینکه معاون جرم قابل مجازات باشد، بایستی وقتی معاون در جرم، دیگری را از طریق تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع مصمم به ارتکاب جرم می‌نماید یا وسایل ارتکاب جرم را تهیه می‌کند و یا طریق ارتکاب جرم را با علم به قصد مرتکب ارائه می‌دهد (همانطور که در مبحث قبل ذکر شد). در عمل خود قاصد و عامد باشد، یعنی او دانسته و خواسته در ارتکاب جرم معاونت کرده باشد. به عبارت دیگر معاون جرم از یک طرف علم و آگاهی داشته باشد که مباشر جرم در مقام ارتکاب جرم است و

۱- اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۵۱.

۲- همان.

۵- عالیه، سمیر، پیشین، ص ۳۲۱.

عمل او ارتکاب جرم را میسر می‌سازد و از سوی دیگر خواسته باشد تا به یکی از طرق لازم برای معاونت در جرم، به نتیجه مجرمانه رسیده و جرم واقع شود. مثلاً چنانچه دزدی از طریق سرایدار آپارتمانی، از وضع داخلی آپارتمان‌ها اطلاعاتی کسب کند. و سرایدار بدون علم و آگاهی از قصد سؤال کننده، جواب‌هایی به او بدهد که در نتیجه بر اثر راهنمایی‌های مزبور، دزد موفق به سرقت شود، نمی‌توان دربان را (هرچند که راهنمایی او مقرون به بی احتیاطی بوده) معاون جرم سرقت ارتكابی دانست. زیرا طبق بند ۳ ماده‌ی ۴۳ ق.م.ا. تسهیل وقوع جرم باید عالماً عامداً باشد.^۳ قصد مجرمانه معاون مبتنی بر تقصیر عمدی و اراده‌ی مشارکت عمدی در اعمال مجرمانه مباشر اصلی است. در بیشتر موارد قصد مجرمانه معاون، نتیجه تفاهم و تبانی قبلی با مباشر است و گاهی نیز تفاهم و تبانی منحصرأ در لحظه‌ی ارتكاب جرم تحقق پیدا می‌کند به هر حال رفتار معاون جرم و مباشر اصلی جرم باید هماهنگ و به منظور نیل به نتایج مجرمانه باشد.^۴ لزوماً مشارکت عالمانه در جرم اقتضاء می‌کند که نخست بین قصد معاون و افعالی که مباشر اصلی جرم مرتکب می‌شود وحدت کامل وجود داشته باشد. این خواست در تبصره ماده ۴۳ ق.م.ا، با این عبارت که: « برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد شرط است» منعکس می‌شود.^۱ حال با توجه به مطالب بیان شده در حقوق کیفری جا دارد تا به بررسی دیدگاه‌های مختلف ناظر بر قصد مجرمانه و نیز بیان وحدت قصد معاون و مباشر جرم پرداخته شود:

بخش ششم: بررسی دیدگاه‌های مختلف ناظر بر قصد مجرمانه

آیا برای تحقق معاونت در جرم، علاوه بر علم و اطلاع معاون، وجود قصد مجرمانه بین معاون و مباشر ضروری است یا صرف علم و اطلاع بر قصد مباشر کفایت می‌کند؟

۷- گلدوزیان، ایرج. پیشین. ص ۲۶۰

۸- همان، ص ۲۶۱

۱- اردبیل، محمد علی، پیشین. ص ۵۱

درخصوص این سؤال دو دیدگاه مطرح است؛ یکی دیدگاه عدم اشتراط قصد مجرمانه -
و دیگری اشتراط قصد مجرمانه که به بررسی هریک خواهیم پرداخت:

بند اول: دیدگاه عدم اشتراط قصد مجرمانه

«مشهور فقها از آن جمله شیخ طوسی، علامه حلی، محقق ثانی، اردبیلی صاحب حدائق و صاحب ریاض وامام خمینی (ره) برای تحقق معاونت، صرف علم و اطلاع بر قصد شخص مباشر را کافی می دانند؛ اعم از آن که معاون از انجام مقدمات حرام، قصد اعانه داشته باشد یا خیر؟ این دسته از فقها برای توجیه نظریه خود به عموم آیه شریفه «و لاتعاونوا علی الایثم والعدوان» و اطلاق روایاتی به شرح زیر تمسک می جویند:

روایت ابن اُذینه از امام صادق (ع) «کتبت الی اُبی عبدالله (ع) أسأله عن رجل له خشب فباعه مَن یتخذه صلباناً، قال: لا» یعنی به امام صادق (ع) نوشتم و در مورد مردی که چوب دارد و آنها را به کسی می فروشد که از آن صلیب درست می کند، حکم مسئله را سؤال کردم، امام (ع) فرمود: خیر (چنین معامله را انجام ندهد).

و روایت عمرو بن حدیث «عن الثوت أیعه مَن یصنع الصلیب او الصنم؟ قال: لا» یعنی - از امام صادق (ع) در مورد درخت توتی که آن را به کسی که از آن صلیب یا بت می سازد، سؤال کردم و حکم مسئله را پرسیدم، امام فرمود، نه جایز نیست.^۲ بنابراین در ارتباط با شرطیت قصد گروهی از فقهای امامیه، صرف علم معین در حرمت اعانت را برای تحقق معاونت در جرم کافی می دانند ولو اینکه قاصد تحقق اثم نباشد.^۳ البته مقصود از «وحدت قصد» این نیست که بین معاون و مباشر اصلی جرم؛ لزوماً توافق پیشینی و یا مواضعه بر ارتکاب جرم پدید آمده باشد بلکه همین اندازه که معاون، مباشر

^۲ - محقق داماد، مصطفی، پیشین. ص ۱۸۶

^۳ - محمدی همدانی، محمد علی، تبیین فقهی معاونت در جرم و مقایسه آن با قوانین موضوعه، تهران، انتشارات

جرم اصلی را قاصد بداند یا او را قاصد بسازد و در جهت این قصد به او یاری رساند وحدت قصد میان این دو به وجود آمده است. برای مثال؛ اگر ناظری در اثنای زد و خورد بین دو نفر چاقویی در کف یکی از طرفین دعوا بگذارد که دیگری را با این وسیله مجروح کند، عمل او معاونت در ایراد ضرب و جرح محسوب می شود، حتی اگر پیش از آن هرگز ضارب را ندیده و نشناخته باشد.

بند دوم: دیدگاه اشتراط قصد مجرمانه

عده ای از فقهای عظام همچون محقق ثانی در حاشیه شرح ارشاد شیخ انصاری در مکاسب محرمة و ابن ادریس حلی در سرائر معتقدند که صرف علم و اطلاع معاون کافی برای مقصود نیست. بلکه معاون باید قصد مجرمانه نیز داشته باشد بنابراین به استناد نظریه این گروه از فقها اگر کسی انگور را به می فروشی یا چوب را به مجسمه ساز بفروشد، مرتکب فعل حرام نشده است ولو اینکه علم و اطلاع داشته و حتی احتمال به کارگیری آن در فعل حرام داده است، مادام که فروشنده برای این مقصود نفروخته باشد، عنوان حرام بر معامله وی صادق نمی باشد و این دسته از فقها به روایتی چند استناد کرده اند. روایت عمر بن اذینه می گوید: «به امام صادق (ع) نوشتم و از او در مورد مردی که انگور دارد و انگور و خرما را به کسی می فروشد که آن را در خمر و مسکر استفاده می کند، سؤال کردم حضرت در جواب فرمود: اشکالی ندارد. چرا که انگور فروخته شده به صورت حلال بوده و خریدار آن را به شکل حرام در می آورد. روایت ابی کهمس؛ از امام صادق (ع) سؤال کردم، من درخت انگور دارم و هر ساله آب انگورها را می گیرم و آن ها را در خمرهای بزرگ می ریزم و پیش از آن که به جوش آید، آن ها را می فروشم، حکم آن چگونه است؟

امام فرمود: اشکالی ندارد، اما اگر به جوش آید، فروشش جایز نیست.

امام سپس فرمود: همینطور ما نیز خرمایمان را به کسی که می‌دانیم آن‌ها را به خمر تبدیل می‌کند، می‌فروشیم.^۱

قصد مجرمانه معاون مستقل از سوء نیت مجرم اصلی است؛ زیرا سوء نیت مجرم اصلی، در ارتکاب جرم است ولی سوء نیت معاون در کمک یا تحریک مجرم در ارتکاب جرم است. اگر یکی از این دو سوء نیت وجود نداشته باشد، معاونت مصداق پیدا نمی‌کند؛ یعنی مجرم اصلی دارای سوء نیت است اما شخصی که به او کمک کرده فاقد چنین سوء نیتی است و برعکس. دکتر میرمحمد صادقی معتقد است که عنصر روانی معاونت به طور خلاصه عبارت است از: «قصد کمک به عمل مجرمانه» یعنی فرد قصد داشته باشد به عمل مجرمانه کمک کند. در جرایم عمدی قصد کمک به مباشر به این شکل تجلی پیدا می‌کند که معاون از ماهیت جرم علم و اطلاع یافته و با مباشر، وحدت قصد دارد.^۳

بند سوم: دیدگاه تفصیلی

عده‌ای از فقها بین اموری که از مقدمات بعیده بوده و معاون آنها را پیش از آن که اراده ارتکاب جرم در ذهن مرتکب اصلی تشکیل شود، مرتکب می‌گردد، با اموری که از «مقدمات قریبه» محسوب و پس از تحقق عزم و اراده مجرمانه واقع می‌شود، قائل به تفصیل شده اند لذا قائل به :

۱- عدم اشتراط قصد در مقدمات قریبه

۱- محقق داماد، مصطفی، پیشین، ص ۱۸۷

۲- افراسیابی، محمد اسماعیل، پیشین ص ۸۲

۳- میرمحمد صادقی، پیشین، صص ۷۲-۷۳

۲- اشتراط قصد در مقدمات بعیده شده‌اند که به توضیح در مورد آن دو خواهیم پرداخت:

۱- عدم اشتراط قصد در مقدمات قریبه

ایشان می‌فرمایند هرگاه پس از آن که قصد و اراده مجرمانه مرتکب اصلی برانجام جرمی تعلق گیرد، چنانچه عملی از سوی معاون صورت گیرد که علت تأمه و یا جزء اخیر علت تأمه محسوب شود به نحوی که پس از حصول مقدمات عادتاً به غیر از تحقق جرم اصلی، انتظار دیگری نرود معاونت محقق است. هر چند که معاون قصد نتیجه نداشته باشد. برای مثال هرگاه شخص به طور قاطع قصد داشته باشد تا دیگری را مورد ایراد ضرب قرار دهد و لکن ایراد ضرب در خارج متوقف بر تحصیل عصا باشد به طوری که بین او و ایراد ضرب، جز فقدان سلاح حائل و مانع دیگری نباشد و در این حال، ثالثی با علم به قصد و اراده ی مرتکب، عصبایی در اختیار او قرار دهد، اقدام شخص در واگذاری سلاح معاونت محسوب می‌شود. هر چند خواستار ایراد ضرب نبوده و یا حتی امیدوار باشد و آرزو نماید ضارب از آن استفاده نکند.^۱

۲- اشتراط قصد در مقدمات بعیده

ولی در مورد «مقدمات بعیده» معاونت صدق نمی‌کند مگر آن که معاون قصد نتیجه داشته باشد، صاحبان این نظریه معتقدند روایاتی را که به نحو مطلق ذکر شده، باید بر موردی حمل کرد که معاون قصد ترتب نتیجه داشته است. ذیلاً به یک نمونه از روایات مزبور اشاره می‌شود:

«الکلینی باسناده عن جابر عن أبي جعفر (ع): قال، لعن رسول الله (ص) في الخمر عشرة غارسها، حارسها و عاصرها و شاربها و ساقیها و حاملها و المحمولة اليه و بايعها و مشتريها و آكل ثمنها»

پیامبر (ص) در خمر ده دسته را شامل غرس کننده درخت انگور، حرس کننده ی آن، آب گیرنده، نوشنده، ساقی و حامل شراب و کسی که شراب به او حمل می شود و فروشنده، مشتری و کسی که ثمن حاصل از فروش خمر را می خورد، لعنت فرمودند. غرس تاک و حرس کردن آن، که نسبت به شرب خمر از مقدمات بسیار بعیده محسوب است در صورتی معاونت تلقی می شوند که با قصد حصول نتیجه یعنی تهیه شراب و شرب خمر انجام شوند و در غیر این صورت لازم می آید تا بسیاری از مشاغل که لازمه ی حیات اجتماعی است، تعطیل شود. به نظر می رسد در خصوص اعتبار قصد مجرمانه در صدق معاونت نظریه تفکیک میان دو دسته از اعمال معاونتی اقوی است و می توان به صورت یک ضابطه کلی بیان کرد به این معنی که هر فعلی که در تحقق حرام موثر بوده و به قصد حصول نتیجه حرام از طرف مباشر انجام شود اعانه بر اثم محسوب است و الا معاونت نخواهد بود، مگر آن که جزء اخیر از مقدمات باشد که برای صدق عنوان معاونت نیازی به قصد ندارند. بنابراین مطابق این ضابطه اموری چون فروش انگور که نه همچون غرس تاک از امور بعیده است و نه همچون فروش خمر از مقدمات آخره، در صورتی که به قصد تهیه شراب انجام شود معاونت بوده و گرنه معاونت محسوب نخواهد شد.^۱

بخش هفتم: وحدت قصد معاون و مباشر جرم

لزوم مشارکت عالمانه در جرم اقتضاء می کند که نخست بین قصد معاون و افعالی که مباشر اصلی جرم مرتکب می شود وحدت کامل وجود داشته باشد. این خواست در تبصره ماده ۴۳ با این عبارت که «برای تحقق معاونت در جرم وحدت قصد شرط است» منعکس می باشد. البته در لزوم وحدت قصد بین معاون و مباشر جرم مواردی مطرح می باشند که عبارتند از: تمیز وحدت قصد و توافق قصد - ضرورت وحدت قصد در جرم معین - شخصی یا نوعی بودن وحدت قصد و زمان تطابق وحدت قصد. که به شرح و بیان هر یک می پردازیم:

بند اول: تمیز وحدت قصد و توافق قصد

حقوقدانان اعتقاد دارند که معاون تنها نسبت به جرائمی مورد مواخذه قرار می گیرد که در محدوده او قرار می گیرد و در مورد جرم یا جرایم احتمالی که خارج از محدوده - و توافق و تبانی آنهاست مسئول و پاسخگو نمی باشد. توافق قصد مجرمانه در بحث تحقق معاونت در جرم، اهمیت فراوانی دارد.. لذا باید معاون و مباشر در جرم ارتكابی وحدت قصد داشته باشند. از این رو احراز قصد مجرمانه معاون نیز در پله اول ضروری است. اگر کسی به دیگری تفنگ بدهد برای کشتن شخص خاصی، ولی مباشر شخص دیگری را مد نظر معاون نبوده است، بکشد، اینجا تطابق قصد مجرمانه مخدوش است. ولی اگر همین فرد تفنگ را برای صرف قتل و کشتن به مباشر بدهد بدون آنکه شخص خاصی مد نظر باشد در هر قتلی که از سوی مباشر انجام می گیرد، وی معاون محسوب می شود. سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که اگر مباشر فراتر از توافق قصد مجرمانه ای که با معاون داشته جرمی مرتکب شود آیا معاون مسئول جرم ارتكابی می باشد یا اینکه فقط نسبت به جرمی که مورد توافق و قصد مجرمانه آن دو بوده است

^۱ - اردبیلی، محمد علی، پیشین ص ۵۱

مسئولیت دارد؟ معاون مسئول تمام جرایم ارتكابی است حتی اگر فراتر از خواسته او توسط مباشر رخ دهد و نظر دوم این است که قصد و رضایت معاون تنها برای وقوع جرم خاصی بوده است ولی در حدود همین قصد و رضایت وی مسئول است. مثلاً اگر صدمه و ضرب و جرح مورد توافق بوده است ولی مباشر با چاقویی که در اختیار داشته است مرتکب قتل عمد بشود، هم پیمانان مباشر که تنها قصد ضرب و جرح را داشتند، معاون محسوب نمی‌شوند. قصد مجرمانه معاون، با قصد مجرمانه مباشر به صورت کاملاً مجزا از هم می‌باشند و هر کدام مستقلاً عنصر معنوی جرم را دارند. به نظر می‌رسد منظور مقنن این است که باید دو قصد مجرمانه معاون و مباشر، نسبت به انجام جرم یا جرایم خاص هماهنگی و انطباق داشته باشد. مثلاً اگر مباشر جرم سلاح را از فردی برای اخاذی و تهدید بگیرد ولی مرتکب عمل منافی عفت گردد، در اینجا تهیه کننده سلاح به علت عدم تطابق دو قصد معاون در جرم نمی‌باشد؛ لذا استفاده از واژه «تطابق قصد» به جای «وحدت قصد» در قانون بهتر و مناسب‌تر می‌باشد. البته جهت تطابق قصد مباشر و معاون، نیازی به ارتباط مستقیم و همفکری و تبادل نظر میان آن دو نمی‌باشد. بلکه همین مقدار که معاون از قصد مجرمانه مباشر آگاهی داشته باشد با انجام عمل خود، در آن مساعدت نماید، کفایت می‌کند. مانند معاونت از طریق دسیسه و فریب و نیرنگ که قبلاً بیان شد. آنچه در مسئله تطابق قصد مجرمانه اهمیت دارد توافق دو قصد بر نوع جرم ارتكابی است و منظور مقنن از وحدت دو قصد، تعلق آن‌ها به نظر نوع جرم ارتكابی می‌باشد. لذا اگر فردی دیگری را برای ارتكاب جرم سرقت، کمک نماید ولی او مرتکب عمل منافی عفت گردد، شخص کمک کننده معاون در جرم ارتكابی نخواهد بود. لازم به ذکر است توافق و هماهنگی در خصوص مجنی علیه یا وسیله ارتكاب جرم یا زمان و مکان ارتكاب شرط نمی‌باشد. مثلاً فردی از دیگری اسلحه ای برای قتل آقای «الف» اخذ نماید ولی با آن شخص «ب» را به قتل برساند. در اینجا چون در مطلق «قتل نفس» توافق حاصل شده و طبق آن هم عمل شده

است، لذا تهیه کننده سلاح معاون در قتل عمدی محسوب می شود.^۱ با این همه هرگاه مباشر جرم اصلی از حدود توافق ضمنی یا معاون خارج شود، خواه به دلیل اوضاع و احوال ارتکاب جرم و یا تغییر عقیده، مباشر جرم اصلی و خواه به هر دلیل دیگر حکم قضیه در هر مورد، متفاوت خواهد بود. در این باره فروض چهارگانه ای را می توان به شرح زیر تصور کرد:

فرض نخست، حالتی است که مباشر اصلی، جرمی کاملاً متفاوت از آنچه مقصود معاون بوده و پیش بینی کرده است مرتکب شود مثلاً معاون کلیدی می سازد و در اختیار دیگری می نهد با این نیت که وقوع جرم سرقت را تسهیل کند، ولی مجرم اصلی پس از دخول به محل سرقت و انصراف از قصد نخستین خود مرتکب هتک ناموس مجنی علیه می شود. بدیهی است که در این حالت نمی توان سازنده کلید را به اتهام معاونت در جرمی که هیچ گاه به آن راغب نبوده و گمان نمی کرده است تعقیب کرد.

فرض دوم، حالتی است که ارتکاب جرمی که در اصل منظور معاون بوده با کیفیات مشددی در عمل توأم می گردد. بنا به نظر مشهور علمای حقوق کیفری، چون معاون می باید تمام اوضاع و احوال که به ارتکاب جرم وخامت بخشیده و در نتیجه خطر بیشتری آفریده پیش بینی می کرده است، بنابراین، بار مجازات سنگین تر را هم باید به دوش بکشد. فرض بر این است که معاون از پیش تمام خطرهایی را که اجرای جرم احتمالاً در بردارد تقبل کرده است.

فرض سوم، حالتی را تداعی می کند که در آن معاون به ارتکاب جرم کمک رسانیده و به فعل تسهیل کننده خود نیز واقف است، لیکن به اینکه جرم چه زمان و به چه صورت و توأم با چه آثاری ارتکاب می یابد جاهل است. به سخن دیگر فعل معاون، معاونت در جرم نامعلوم است. مانند کسی که به جبران اهانتی که به او شده است

^۱ - مرادی، حسن، پیشین ص ۱۵۳

دیگری را با این عبارت که «انتقام من را بگیر» تطمیع می کند و فقط می داند که با پرداختن این پول به ارتکاب جرم کمک رسانیده است، ولی به نوع ونحوه ی اجراء وعواقب عمل به هیچ گونه عالم نیست. بدیهی است در این حالت نیز معاون با دادن اختیار تام به مباشر جرم اصلی آثار و پیامدهای هر گونه فعل مجرمانه ای را از پیش پذیرفته است. فرض بر این است که با سپردن ابتکار عمل به دیگری خود را در ارتکاب هر نوع جرمی سهیم دانسته است.

سرانجام فرض چهارم، زمانی که مباشر اصلی همان جرمی که با معاون پیش بینی می کرده است مرتکب شده است ولی در نهایت شیوه و طریق دیگری در اجرای فعل برگزیده است. مثلاً در ارتکاب فعل قرار بر این بوده است که مجنی علیه با طناب به دار آویخته شود ولی در عمل به آب افکنده شده و در آب خفه شده است. این تغییر شیوه تأثیری بر وضع جنایی معاون ندارد.^۱

بند دوم: ضرورت وحدت قصد در جرم معین

برای اینکه معاونت در جرم تحقق پیدا کند باید در مورد ارتکاب جرم معین بین معاون با مجرم اصلی یا مجرمین، توافق و همدلی وجود داشته باشد. به دیگر سخن تحقق معاونت در جرم مشروط به موافقت و تبانی بین معاون و مباشر اصلی در خصوص جرم ارتكابی معین است. به علاوه لازم است که معاون از ماهیت مجرمانه عملی که مباشر اصلی قصد ارتکاب آن را دارد، عالم و آگاه باشد. به همین مناسبت قانونگذار در بندهای مختلف ماده ۴۳ ق، م، ا، تحقق معاونت را در تهیه وسایل ارتکاب جرم و همین طور در فراهم آوردن تسهیلات لازم برای ارتکاب جرم را منوط به علم و اطلاع معاون از قصد مباشر برای ارتکاب جرم موکول کرده است. در سایر موارد مذکور در قانون نیز، معاون جرم باید آگاهانه و با علم به قصد مرتکب اصلی، او را کمک و یاری

کند. بر پایه این واقعیت است که قانونگذار در تبصره فوق الذکر، وجود وحدت قصد در میان معاون و مباشر جرم را مورد تأکید قرار داده است. از طرف دیگر، این توافق و وحدت قصد، باید برای ارتکاب جرم معلوم و معین مانند قتل یا سرقت بین معاون و مباشر اصلی در محدوده موارد مذکور در قانون حاصل شده باشد. بنابراین، چنانچه معاون از قصد مجرمانه مباشر اصلی جرم بی اطلاع باشد، کمک و یاری او معاونت محسوب نخواهد شد مثلاً کسی اتومبیلش را در اختیار دوستش قرار می‌دهد تا همسر بیمار خود را به بیمارستان برساند ولی دوست او؛ با استفاده از اتومبیل به سرقت می‌رود در حین انتقال اموال مسروقه دستگیر می‌شود. در این قضیه چنانچه ثابت شود که مالک اتومبیل از قصد دوستش مطلع نبوده، معاون جرم شناخته نمی‌شود.^۱ بنابراین قصد معاون باید به ارتکاب جرم با جرایمی تعلق گیرد که مباشر در صدد انجام و تحقق آن هاست به همین جهت می‌گوییم «معاون تنها نسبت به جرایمی مورد مواخذه قرار می‌گیرد که در محدوده قصد و نیت او قرار گرفته و در مورد جرم یا جرایمی که خارج از محدوده توافق و تبانی آنهاست، مسئول و پاسخگو نمی‌باشد»

بند سوم: شخصی یا نوعی بودن وحدت قصد

البته فقها در بحث وحدت قصد، به شخصی بودن یا نوعی بودن آن قائل می‌باشند که آیت الله مرعشی به وحدت شخصی معتقد هستند یعنی وقتی اسلحه را به زید داد تا عمرو را بکشد، لیکن زید مرتکب نشد بلکه پسر زید عمرو را با آن اسلحه به قتل رساند. وحدت شخصی محقق شده است. درست مثل موردی که اسلحه به زید بدهد که هرکس را که می‌تواند بکشد، لیکن دیگر معین قصد داشت معان با آن اسلحه عمرو را بکشد لیکن او بکر را کشت. وحدت شخصی محقق نشده است، پس عمل معین،

^۱ - ولیدی، محمد صالح، پیشین، ص ۳۴۲

معاونت محسوب نمی‌شود.^۱ اگر معاون به قصد کشتن شخص معینی یا فاعل مباشر، بنای مساعدت گذاشت و مباشر با استفاده از آن امکان و مساعدت شخص دیگری را به قتل رساند، در این صورت آیا معاون محسوب می‌شود. به عبارت دیگر میزان در وحدت قصد، وحدت شخصیه می‌باشد یا وحدت نوعیه نیز کفایت می‌کند؟ که این مطلب جای جای تامل و گفت و گو است. برخی از حقوق‌دانان در این صورت قائل به تحقق معاونت نیستند و معتقدند وحدت شخصیه که عناصر تشکیل دهنده وحدت قصد است در این مورد محقق نشده است. برخی نیز معتقدند «وحدت نوعیه برای صحت اطلاق معاونت کفایت می‌کند و نیازی به وحدت شخصیه نیست» ولی به نظر می‌رسد که در اینجا حق با گروه نخست بوده و معیار در وحدت قصد، وحدت شخصیه می‌باشد چرا که در غیر این صورت، ادله معاونت از کسی که مباشر را مسلح کرده است، انصراف خواهد داشت، مگر اینکه معاون هنگام معاونت (مثلاً تحویل سلاح) گفته باشد این سلاح در اختیار تو و هر کسی که می‌توانی را به قتل برسان. در این صورت چون مصداق معین نشده باشد، معاون نیز باید به عنوان معاونت در جرم پاسخگو باشد. ^۲ در همین رابطه از نظر نگارنده می‌شود وحدت قصد را به وحدت قصد عام و خاص تقسیم کرد. یعنی ممکن است که معاون تفنگ را به شخصی بدهد و به او بگوید هر کسی را که دوست داری بکش یا اینکه وی می‌داند مباشر برای کشتن از وی تفنگی را درخواست می‌کند و برای او مهم نیست که چه کسی در اینجا مطرح است لذا اینجا باید وی را در هر قتلی که توسط مباشر رخ می‌دهد معاون بدانیم از طرفی هم ممکن است تنها وحدت قصد در موضوعی خاص تنها مطرح باشد. در اینجا دیگر نمی‌شود به راحتی معاون را مجرم دانست مثلاً فردی به دیگری کمک می‌کند برای سرقت ولی او انسان دیگری را می‌کشد اینجا معاونت را نمی‌شود مطرح

^۲-مرعشی، محمد حسین، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۹، ص ۲۲

^۳-همان ص ۵۱

کرد. بلی، قانون مجازات اسلامی نیز این رویه را پیروی کرده است و قائل به وحدت شخصیه می باشد مگر اینکه فردی، سلاحی را به دیگری به صرف کشتن باشد و برایش مطرح نباشد که وی از این اسلحه در چه جهتی استفاده می کند و لذا در هر قتلی که رخ دهد وی معاون در آن قتل محسوب می شود.

بند چهارم: زمان تطابق قصد

قصد مجرمانه معاون از قصد مجرمانه یا سوء نیت مباشر جرم متمایز است. و از قصد و اراده او در اینکه دیگری را در اجرای یک عمل مجرمانه یاری کند با تحریک، ترغیب و سایر اعمال پیش بینی شده در ماده ۴۳ ق.م.ا، او را به ارتکاب جرم مصمم نماید با دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود و یا وقوع جرم را تسهیل نماید تشکیل می یابد. قصد مجرمانه معاون باید قبل یا همزمان با ارتکاب جرم، وجود داشته باشد. همکاری و مساعدت با شخصی که قبلاً مرتکب جرمی شده است عنوان معاونت نخواهد داشت. اعلی الاصول مسئولیت معاون جرم نسبت به جرایمی است که با مباشر جرم هماهنگی داشته است ولی گاهی رویه قضایی معاون را مشمول نتایج اقدامات اضطراری مباشر دانسته و به عنوان معاونت در جرم سنگین تر مجازات می نماید.^۲ بنابراین علم و اطلاع معاون از اینکه عمل او کمک به مجرم برای ارتکاب جرم معین باید زمانی باشد که با سوء نیت به یکی از اعمال ذکر شده در قانون به عنوان مصادیق معاونت، مبادرت می کند. بنابراین زمان وحدت قصد میان مجرم اصلی و معاون یا قبل از ارتکاب جرم یا زمان ارتکاب جرم است. پس چنانچه اگر این سوء نیت در نتیجه وحدت قصد پس از ارتکاب جرم حاصل شود معاونت مصداق ندارد. مثلاً اگر کسی اتومبیل خود را در اختیار دیگری بگذارد تا با آن مسافر حمل کند و آن شخص با

۱- صانعی، پرویز، پیشین، ص ۵۷۹

۲- گلدوزیان، ایرج، پیشین ص ۲۶۶

۳- افراسیابی، محمد اسماعیل، پیشین، صص ۸۲ و ۸۳

سوءنیت با آن قاجاق حمل کند و پس از آن صاحب اتومبیل به حقیقت امر واقف گردد و سکوت نماید و با مجرم توافق نماید و از این بابت حقی هم دریافت دارد، عمل او معاونت محسوب نمی شود چون قبل و در زمان ارتکاب جرم وحدت قصد وجود نداشته و وقتی وحدت قصد حاصل گشته، جرمی واقع نشده است.

بخش هشتم: دیدگاه عدم تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی

این عده معتقدند که جرایم غیر عمدی نمی تواند معاون داشته باشد و مطلقاً منکر امکان تحقق آن شده اند. ایشان معتقدند که سوء نیت از شرایط تحقق معاونت و حال آنکه در جرایم غیر عمدی نه تنها مجرم اصلی سوء نیت ندارد بلکه معاون وی نیز فاقد سوء نیت است. این عده دلایلی مبنی بر عدم تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی ذکر کرده اند که به بیان آن ها می پردازیم:

۱- فقدان وحدت قصد: «ویدال و مولینه» دو حقوقدان مشهور فرانسوی نیز معتقد به همین امر بوده می گویند: «معاونت قابل مجازات وجود ندارد، مگر در صورتی که معاون قاصدانه و یا با سوء نیت به منظور تحقق جرمی که شروع شده یا ارتکاب یافته است، عمل کرده باشد»^۱

اگر ما معاونت در جرایم غیر عمدی را بپذیریم، پس عنصر معنوی و شرط تحقق تطابق قصد (وحدت قصد) که از متون قانونی آمده را چکار کنیم. به عبارت دیگر از آنجا که مجازات معاون در جرم مشروط به توافق قصد مجرمانه او و مباشر اصلی جرم است و در جرایم غیر عمدی قصد مجرمانه یا سوء نیت وجود ندارد؛ لذا فرض معاونت در جرایم غیر عمدی ممکن نیست در نتیجه تنها در جرایم عمدی امکان تحقق معاونت در جرم وجود دارد. ^۲ معاونت در جرم زمانی قابل تصورات است که برای معاون جرمی که ارتکاب

^۱ - همان ص ۲۳۳

^۲ - صانعی، پرویز، پیشین ص ۵۸۱

آن را تحریک، تشویق یا تهدید کرده و یا وسایل ارتکاب آن را فراهم آورده یا طریق ارتکاب آن را ارائه داده یا آن را تسهیل کرده است شناخته شده باشد. و اما در جرایم غیر عمدی چون مباشر قصد ارتکاب جرم را ندارد و اصلاً فعل انجام یافته برای او نامعلوم بوده است در نتیجه قصد معاونت در فعلی که حتی برای مباشر مجهول است ناممکن خواهد بود. علاوه بر آن «وحدت قصد» در تبصره ۱ ماده مذکور تعبیری جز این ندارد که بین قصد معاون و قصد مباشر باید همانندی و مطابقت وجود داشته باشد. و چون در جرایم غیر عمد، عمدی وجود ندارد تا با عمد در معاونت مطابقت کند؛ بنابراین وحدت قصد بین معاون و مباشر جرم منتفی است.

۲- تفسیر به نفع متهم: با توجه به قاعده تفسیر مضیق قوانین کیفری و همچنین تفسیر به نفع متهم و در موارد مردد و در نظر داشتن اینکه جرم انگاری بر عهده مجلس و مقنن می باشد و ما با تفسیر نمی توانیم ایجاد جرم نماییم باید معتقد به عدم تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی باشیم. در جایی که کسی رول اتومبیل را به شخصی می دهد که می داند فاقد پروانه رانندگی است علم و یقین نسبت به وقوع حادثه و مرگ زیان دیده ندارد. چه بسا حوادث آتی را هیچ کس نمی تواند پیش بینی کند و چه بسا اصلاً هیچ حادثه ای رخ ندهد و به کسی صدمه ای نرسد وجدان قاضی از اینکه او را معاون در جرم قتل عمد بداند ابا دارد. اگر همان طور که این عمل ممکن است منجر به حادثه خطرناکی شود، ... ممکن هم هست که اصلاً چنین حادثه ای رخ ندهد چرا قوانین جزایی را بر ضرر متهم تفسیر کنیم که با مبانی تفسیر مضیق قانون جزایی هم ناسازگار باشد بالمآل می توان وی را معاون در جرم رانندگی بدون پروانه دانست.^۱

۳- رویه قضایی: دیوان عالی کشور آرایه که در سال ۱۳۱۶ و ۱۳۱۹ صادر نموده است مربوط به زمان قبل از اصلاح قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ است و لذا با اصلاح

آن قانون و مخصوصاً تصویب تبصره ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی که عیناً- در تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تکرار شده است آرای مزبور- اهمیت خود را از دست داده است. با صراحت این تبصره که مقرر می‌دارد «برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر شرط است» جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نمی‌ماند که لازمه تحقق معاونت وجود- وحدت قصد است و این نیز منحصر به جرایم عمدی است نه جرایم غیر عمدی. اداره حقوقی قوه قضاییه هم در تاریخ ۱۳۵۴/۳/۲۱ در همین مسئله چنین نظریه داده با توجه به تبصره ذیل ماده ۲۸ ق.م.ع برای تحقق معاونت در جرم وحدت قصد شرط است و در جرایم غیر عمدی؛ عمدی وجود ندارد تا وحدت قصد تحقق یابد.^۱ کمسیون استفتائات و مشاورین حقوق شورای عالی قضایی سابق در سال ۱۳۶۳ در پاسخ به این سؤال که آیا در جرایم غیر عمدی امکان تصور موردی است که معاونت در جرم تحقق یابد یا خیر و هرگاه کسی وسیله نقلیه موتوری را در اختیار شخصی که دارای گواهینامه لازم نیست، قرار دهد و بر اثر رانندگی وسیله نقلیه با شخصی برخورد نماید و موجب قتل وی گردد آیا عمل تهیه کننده فقط معاونت در رانندگی بدون پروانه است یا در قتل غیر عمد نیز معاونت نموده است؟

پاسخ داد با توجه به اینکه در شرایط تحقق معاونت علم و اطلاع تهیه کننده و وسایل ارتکاب جرم و عمد تسهیل کننده وقوع جرم و وحدت قصدین معاون و مباشر منظور گردیده معلوم می‌شود که در جرایم غیر عمدی معاونت مفهومی ندارد بنابراین در مورد استعلام حاضر نیز مالک و وسیله نقلیه موتوری معاون در قتل غیر عمد محسوب نمی‌شود و ظاهراً، فقط مشمول مقررات راهنمایی و رانندگی خواهد شد.^۲ عده

۱- محسنی، مرتضی، پیشین ص ۵۴

۲- مرادی، حسن، پیشین، ص ۱۵۹ به نقل از مجموعه نظریات مشورت کمسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای-

عالی قضایی سابق ج ۳، ۱۳۶۵، ص ۲۸

دیگر معتقد به معاونت در جرایم غیر عمدی بوده و می‌گویند «همانگونه که معاونت در جرایم عمدی ممکن است در جرایم غیر عمدی نیز میسر است. زیرا قانونگذار به طور مطلق از معاونت در جرم سخن می‌گوید بی آنکه در اقسام جرایم قائل به تفکیک باشد.»

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب گفته شده نتایجی حاصل می‌گردد که بیان آنها می‌پردازیم:

۱- در نظام کیفری ایران معاونت در ارتکاب جرم تعریف نشده و قانونگذار به ذکر مصادیقی از آن پرداخته است.

۲- در حقوق ایران نظریه استعاره نسبی مجرمیت پذیرفته شده است و در مورد معاونت در برخی از جرایم خاص از نظریه استقلال در مجرمیت تبعیت نموده است.

۳- مصادیق عام رفتار معاون که قانونگذار در ماده ۴۳ ق.م.ا به صراحت آنها را احصاء نموده است جنبه حصری دارد و نه تمثیلی. که این مصادیق عبارتند از: تحریک، ترغیب، تطمیع، تهدید، دسیسه و فریب و نیرنگ، تهیه وسایل ارتکاب جرم و تسهیل وقوع جرم است.

۴- برای تحقق رفتار معاونت در حقوق ایران لزوم فعل مثبت از سوی معاون ضروری است و ترک فعل نمی‌تواند رکن مادی معاونت را بوجود آورد. البته در پاره‌ای موارد قانونگذار ایران نظر به شرایط و اوضاع و احوال دسته‌ای از افعال منفی و یا ترک فعل را تحت عنوان معاونت به عنوان جرم مستقل پیش بینی نموده است.

منابع و مأخذ

- ۱- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۵
- ۲- آقای نیاه، حسین، جرایم علیه اشخاص چاپ دهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲
- ۳- ابراهیم پورلیالستانی، حسین، معاونت در قتل عمد، قم، همای غدیر، ۱۳۸۸
- ۴- افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷
- ۵- امین پور، محمد تقی، مجموعه قوانین کیفر همگانی و آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، تهران، شرکت ۶های چاپ، ۱۳۳۰
- ۶- باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰
- ۷- پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲
- ۸- حمیدی، منوچهر، معاونت در ارتکاب جرم، تهران، چاپخانه صبح امروز، ۱۳۵۱
- ۹- دادبان، حسن، ترجمه حقوق جزای عمومی، ج ۱ انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- ۱۰- نجیب حسنی، محمود، رابطه سببیت در حقوق کیفری، مترجم، علی، عباس نیای زارع، مشهد، چاپ دوم، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶ ه.ش
- ۱۱- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس،

۱۲-سمیعی، حسین، حقوق جزا، تهران، چاپخانه شرکت مطبوعات، ۱۳۳۳

۱۳-سمیعی، حمید، حقوق جزا، تهران، چاپخانه شرکت مطبوعات، ۱۳۴۸

۱۴-شامبیانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ پنجم، تهران، انتشارات

ویستار



مرکز آموزش علمی-کاربردی
سازمان همیاری شهرداری های
ایران



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند
با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان



همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by

CIVILICA

We Respect the Science

Sponsored And Indexed

T **PBIN.com**

مجموعه های ایران

symposia

CONF PAPER

مجله علمی-پژوهشی

پایگاه علمی-پژوهشی

مجموعه های ایران

مجله علمی-پژوهشی

پایگاه علمی-پژوهشی

مجموعه های ایران



۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸
اصفهان سالن اجلاس دانشگاه



ارکان کلیدی همایش
دبیر اجرایی همایش:
دکتر امین امیریان فارسانی
رئیس هیات داوران:
دکتر سعید سامانی مجد
رئیس شورای سیاست گذاری:
دکتر سعید خردمندی

مسئول برگزاری
محور های همایش:
پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی
علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی
علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار
گایست فایل word مقاله خود را به همراه
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید
phdsara@yahoo.com
ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره
09100636002
همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم
واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ - واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

www.olomensani.IR